

## مسابقه محله

کافی است آرای نفر اول مثلا تهران را در انتخابات امسال با آرای گذشته او مقایسه کنید تا ببینید تمثیل‌های به کار رفته در این یادداشت دقیق است. تا اینجا هم قابل انتظار است، فقط انسان تعجب می‌کند که چنین قهرمانانی چگونه متوجه واقعیت نمی‌شوند و خود را قهرمان واقعی در سطح المپیک می‌دانند!!

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: اعدادی که در این یادداشت آورده شده مربوط به ورزش است. البته به نحوی تنظیم شده که ضربی از رای فرد اول انتخابات تهران باشد. فرض کنید که مسابقات وزنه‌برداری در یک وزن مشخص در سطح تهران و با حضور صدها وزنه‌بردار برگزار شود. نفر اول با وزن ۱۶۱ کیلوگرمی قهرمان شود و وزنه‌بردار دیگری با وزن ۶۹ کیلوگرمی رتبه بسیار پایینی را کسب کند و نفر ۵۳ شود. چندی بعد این فرد با افزایش وزن به دسته بالاتر می‌رود که حدود ۱۰ درصد بیشتر وزن می‌زنند، پس او در واقع باید بتواند ۷۷ کیلوگرم وزن بزند. ولی در مسابقات تهران شرکت نمی‌کند، به جای آن مسابقات را در یکی از نواحی ۱۲۰گانه شهر تهران برگزار می‌کند. در این فاصله به جای وزن ۷۷ کیلوگرمی، فقط قادر است یک وزنه ۶۰ کیلوگرمی را بزند، تازه او را از دادن آزمایش دوپینگ هم معاف می‌کنند.

جالب است که نفر ۵۳ مسابقات اخیر فقط ۱۵ کیلو وزنه زده است!! در حد یک پیرمرد ۹۰ ساله. در نتیجه وی در این ناحیه کوچک شهری به مقام قهرمانی می‌رسد، ولی خود را قهرمان وزنه‌برداری تهران معرفی می‌کند. این دقیقا به معنای قهرمانی در فضای غیررقابتی و حذفی است. هنگامی که از حذف سخن می‌گوییم یعنی همین. در واقع اگر او در مسابقات رقابتی در سطح تهران شرکت می‌کرد و مثلا ۱۸۰ کیلو را بلند می‌کرد، بالطبع قهرمانی او نه ناشی از حذف دیگران که ناشی از ارتقای قدرت خودش بود. پس هنگامی که نه تنها پیشرفتی نداشته، نزول هم داشته و در عین حال ۵۳ رتبه هم بالا آمده، به معنای قهرمانی در فرآیند حذفی و ضد رقابتی است. البته فراموش نکنید که آن رقابت اول هنوز در سطح تهران بود و اگر در سطح ملی و آسیایی و جهانی باشد، رکورد نفر اول خیلی، خیلی بیشتر می‌بود و این قهرمان ما نفر صدم و هزارم هم نمی‌شد. این وضعیت اسفناک ناشی از حذف است.

شما هنگامی که مسابقه را در اندازه یک ناحیه برگزار می‌کنید، انتظار نداشته باشید که مردم نواحی دیگر برای قهرمانی ناحیه شما دست بزنند و گل بریزند. شما برای مردم نواحی دیگر بیگانه محسوب می‌شوید. باید شرمنده بود که خود را قهرمان نواحی و محلات دیگر هم معرفی کرد. درست است که شما ساکن آن ناحیه کوچک هستید، ولی هنگامی برای مردم شهر یا کشور خود مورد احترام و محبوب هستید که در مسابقات استانی یا ملی شرکت کرده و قهرمان شده باشید. با قهرمانی در یک ناحیه کوچک نمی‌توان برای نواحی و مناطق و شهرهای دیگر فخرفروشی کرد یا احتمالا از آنان انتظار حمایت داشت یا برای آنان تصمیم گرفت.

نکته‌ای که به آن توجه نکرده‌اید، این است هنگامی که مسابقه از سطح شهر به یک ناحیه تنزل پیدا می‌کند و رقابت خیلی رقیق و بی‌رمق می‌شود، اندازه وزنه زدن قهرمان شما هم کمتر می‌شود. رقابت موجب ارتقای سطح توانایی‌های طرفین رقابت است و اگر رقیب حذف شود، طرف باقیمانده در بازی یکسویه نیز تضعیف می‌شود. همچنان که شدید. از خلال رقابت است که ظرفیت‌های افراد و گروه‌های سیاسی ارتقا می‌یابد. نکته مهم دیگر این است که در ادامه و برای قهرمان ماندن در سطح همان ناحیه نیز مجبور می‌شوید، محدوده مسابقات را به مرور کوچک‌تر کنید. مثلا مسابقات را نه در ناحیه بلکه در سطح محلات هر ناحیه برگزار کنید تا دوباره در یکی از این محلات قهرمان شوید، چون کسان دیگر با کوشش، خود را به شما رسانده و جلو می‌زنند ولی چون علاقه‌ای به از دست دادن قهرمانی ندارید، سطح مسابقات را به محله کاهش می‌دهید یا کلا مسابقات را لغو می‌کنید یا وزنه‌های غیرواقعی برای خود تعیین می‌کنید.

خلاصه جایی می‌رسد که باید با خودِ خودتان رقابت کنید و تمام شهر و محلات آن را علیه خود بشورانید. این فلسفه و تقدیر سیاست حذف و آنچه امروز مشهور شده «خالص‌سازی» است. این سرنوشت، دیر یا زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد. کافی است آرای نفر اول مثلا تهران را در انتخابات امسال با آرای گذشته او مقایسه کنید تا ببینید تمثیل‌های به کار رفته در این یادداشت دقیق است. تا اینجا هم قابل انتظار است، فقط انسان تعجب می‌کند که چنین قهرمانانی چگونه متوجه واقعیت نمی‌شوند و خود را قهرمان واقعی در سطح المپیک می‌دانند!! با اولین وزنه‌ای که در این سطح بزنند چهار ستون بدن آنها در خواهد رفت. این یک مسابقه محله است در امر سیاسی و با مجریان ناکارآمد.